

جنگ ۳۳ روزه حزب الله با رژیم صهیونیستی (بخش اول)

مؤلف : محمد رضا صمدی

عباس عسگرلو

چکیده:

با آغاز هزاره سوم، جهان شاهد تحولات زیادی در حوزه سیاست، اقتصاد و مسائل اجتماعی و نظامی گردید. آنچه بیش از همه دگرگونی‌ها مورد توجه کارشناسان مختلف قرار گرفت، جنگ‌هایی بود که در دهه‌ی اول قرن ۲۱ رخ داد. جنگ حوزه بالکان در سال ۲۰۰۰، تجاوز اسرائیل به لبنان در سال ۲۰۰۶ و حمله به غزه در سال ۲۰۰۹ از جمله جنگ‌هایی بود که زمینه‌ی تحولات عظیمی را در حوزه استراتژی و تاکتیک خصوصاً در زمینه‌ی مسائل نظامی به دنبال داشت. توجه به این دگرگونی‌ها و بررسی آنها می‌تواند روشنگر و پاسخگوی نیازمندیهای دفاعی نیروهای مسلح هر کشوری باشد. در این میان جنگ ۳۳ روزه اسرائیل با لبنان از هر لحاظ مورد توجه تمام کارشناسان نظامی در داخل و خارج کشور قرار گرفته است. زیرا دیدگاه یک نبرد ناهمتر از تمام عیار را تداعی بخشید و نیرویی با استعداد کم در تمام ابعاد فیزیکی و غیرفیزیکی، توانست بزرگترین ارتش منطقه را به زانو درآورد. لذا توجه به ابعاد مختلف این جنگ خصوصاً جنبه‌های تاکتیکی آن برای یگانهای عملیاتی و مراکز آموزشی از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است. این مقاله بر آن است که ابعاد تاکتیکی و عملیاتی جنگ ۳۳ روزه لبنان را بررسی نماید و با مطالعه‌ی راهبردها و تاکتیک‌های ارتش اسرائیل، روشها و تاکتیک‌های حزب الله را برای مقابله با آن و زمین‌گیر کردن ارتش اسرائیل مورد توجه و تجزیه و تحلیل قرار دهد. . نظر به مفصل بودن مطالب، بخش نخست مقاله در شماره کنونی و بخش دوم در شماره آتی از نظر خوانندگان عزیز خواهد گذشت.

کلید واژه: نبرد ناهمتر از، دکترین عملیاتی، راهبرد نظامی، جنبش مقاومت

حزب الله، اسرائیل

مقدمه (دلایل شروع جنگ):

بررسی روند نبرد ۳۳ روزه رژیم صهیونیستی علیه حزب الله لبنان، بدون در نظر گرفتن ریشه‌ها و بسترهای حادثه‌ی فوق، نتیجه‌ای دقیق و حقیقی به دست نخواهد داد. از این رو قبل از ورود به ماجرای یاد شده باید در پی نقطه‌نشانی‌هایی بود که ما را به سمت واقعیت‌ها رهنمون سازد. حقیقت آن است که رهبران تندرو کاخ سفید در راستای تحقق پروژه‌ی «خاورمیانه‌ی جدید» که با هدف محوریت بخشیدن به اسرائیل و امنیت این کشور جعلی در یکی از مهمترین مناطق حیاتی کره‌ی خاکی یعنی خاورمیانه، کلید خورده بود، از نظر خود می‌بایست دست کشورهای مخالف و جریان‌های مشکل ساز را کوتاه می‌ساختند. تسلط بر خاورمیانه با دو هدف عمده دنبال شده و می‌شود: کنترل منابع نفتی منطقه و تامین امنیت اسرائیل. برای نیل به چنین منظوری باید از دیوار محکم مخالفان یعنی حزب الله، سوریه و ایران عبور می‌کردند و طبیعتاً ضعیف‌ترین حلقه‌ی این زنجیره، یعنی مقاومت اسلامی لبنان، به عنوان هدف شماره‌ی یک تعریف می‌گردید. فتح لبنان دروازه‌ی ورود به خاورمیانه‌ی جدید بود؛ اما نفوذ سیاسی، اطلاعاتی و امنیتی سوریه در لبنان، حضور فعال حزب الله در تمام عرصه‌های لبنان، حضور گروه‌های فلسطینی مخالف روند سازش در این کشور و حضور امیل لحود در پست ریاست جمهوری و مخالفت شدید وی با اهداف و طرح‌های غرب در این کشور، از موانع قابل توجه پیش پای غرب به شمار می‌رفت.

« طرح آمریکایی‌ها این بود که ابتدا اسرائیل به غزه حمله می‌کرد و حماس را ساقط می‌نمود، سپس با حمله به جنوب لبنان، حزب الله را هدف قرار می‌داد. پس از کسب موفقیت در این دو مرحله، پیکان حملات متوجه سوریه می‌شد تا رفتار او را



تغییر دهد؛ چنانچه اوضاع بر وفق مراد می‌بود، ایستگاه چهارم عراق بود تا دولت ائتلاف شیعی را سرنگون سازد. در فاز پنجم با این استدلال که بازوان ایران در منطقه قطع شده است، ایران هدف قرار می‌گرفت» (ساعدی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۸).

در چنین شرایطی و با درک صحیح فضای مذکور از سوی رهبران حماس، عملیاتی علیه اسرائیل و با هدف اسارت یک سرباز اسرائیلی از سوی جبهه‌ی حماس طراحی و اجرا گردید. با اسارت سرباز اسرائیلی، رژیم صهیونیستی در اقدامی احساسی، کور و انتقام‌جویانه عملیات «باران‌های تابستانی» را علیه مردم غزه آغاز نمود تا شاید بتواند سرباز دربند را رهایی بخشد؛ عملیاتی که از زمین و هوا و دریا، غزه را آماج حملات خود قرار داد ولی هیچ ثمری برای اسرائیل نداشت.

عملیات باران‌های تابستانی از موضعی منفعلانه و دو هفته پیش از آغاز نبرد ۳۳ روزه اجرا گردید تا طرح‌های از پیش آماده شده‌ی ارتش اسرائیل دچار چالش جدی گردد. در چنین وضعیتی رژیم صهیونیستی سعی کرد تا مرحله حمله به لبنان را با جدیت و دقت کافی به انجام برساند ولی این بار نیز رزمندگان مقاومت اسلامی لبنان در اقدامی پیشدستانه، وضعیت جدیدی را بر تل‌آویو تحمیل نمودند.

حزب الله لبنان در روز ۱۲ ژوئیه ۲۰۰۶ م (۱۳۸۵/۴/۲۱ ه. ش) در طی یک عملیات، ضمن کشتن هفت سرباز اسرائیلی و زخمی کردن دوازده سرباز دیگر، دو نظامی این رژیم را به اسارت درآورد (بعدها معلوم شد این دو نظامی هم کشته شده بودند). «منابع نظامی اسرائیل اعلام کردند که این عملیات طی دو مرحله انجام شده است: در مرحله‌ی اول یکی از پایگاه‌های اسرائیل به وسیله موشک‌های کاتیوشا هدف قرار گرفته و در مرحله‌ی دوم، در نزدیکی مرز با لبنان، دو سرباز اسرائیلی به اسارت گرفته شده‌اند.» (عرب، ۱۳۸۵: ۴۱).

هدف حزب ا.. عمل به وعده خود یعنی آزادی اسرای لبنانی بود و از همین رو عنوان «وعدالصادق» را بر این عملیات نهاد. بدین ترتیب حزب ا.. سعی کرد موضوع را در سطحی فراتر یعنی «ملی» نگاه دارد تا ضمن جلوگیری از انتقاد رقبای داخلی، از پیوند خوردن آن با موضوع فلسطین نیز جلوگیری کند. «حزب ا.. سعی کرد ... تا از انتقاد معارضین داخل نسبت به اینکه لبنان بهای حوادث فلسطین را می‌پردازد، مصون بماند» (عرب، ۱۳۸۵: ۴۲).

بدین شکل بود که جنگ ۳۳ روزه کلید خورد. سید حسن نصر ا.. رهبر جنبش مقاومت اسلامی لبنان می‌گوید: «هدف اصلی حزب ا.. لبنان از به اسارت گرفتن دو اسرائیلی، آغاز جنگ نبوده، بلکه هدف اصلی مبادله اسیران و آزادسازی آنها بوده است؛ اما هدف اسرائیل نه آزادی اسیران که دنبال تحقق چیز دیگری است ...» (ساعدی، ۱۳۸۵: ۵۲ ج ۱).

اما آن «چیز دیگر» چیست؟ رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی به مناسبت فاجعه‌ی قانا در ۸۵/۵/۱۰ به این سوال پاسخ می‌دهند: «تهاجم به لبنان نقشه‌ای از پیش طراحی شده و اقدامی آمریکایی صهیونیستی به عنوان گامی اساسی در راه تسلط بر خاورمیانه و جهان اسلام بوده است» (ساعدی، ۱۳۸۵: ۱۹ ج ۱).

با اسارت دو نظامی اسرائیلی، رهبران این رژیم، شتابزده و در اقدامی پیش از موعد، آتش جنگ را شعله‌ور ساختند و تلاش نمودند آغاز جنگ را به حزب ا.. نسبت دهند. اما در هیچ منطق نظامی، اسارت دو سرباز عادی نمی‌تواند علت بروز یک جنگ تمام عیار از زمین و هوا و دریا باشد. پس علت کجاست؟

سید حسن نصر ا..: «آن چه امروز جریان دارد جنگی است فراگیر که صهیونیست‌ها برای تسویه حساب کامل با لبنان، ملت، دولت، ارتش و مقاومت آن و انتقام از موفقیت ۲۵ می سال ۲۰۰۰ م، آن را به راه انداخته‌اند. (ساعدی، ۱۳۸۵: ۳۷ ج ۱).



راهبردهای ارتش اسرائیل:

اسرائیل کشوری است که تفاوت‌های عمیق سیاسی، فرهنگی و اجتماعی با همسایگان خود دارد. سرزمینی محدود که مساحت آن حدود ۲٪ یکی از همسایگانش یعنی مصر می‌باشد.

اسرائیل تنها کشوری است که حکومت در آن با قاطبه یهودیان می‌باشد و از این نظر در دنیا مستثناست. سالهای سال همسایگان دور و نزدیک آن دشمنانی متعصب به شمار می‌رفتند و هنوز نیز تعدادی از آنها در صف مقدم دشمنی با این کشور هستند. جمعیت اندک، عمق جغرافیایی کم و احساس دایمی خطر، صهیونیست‌ها را همواره در اندیشه‌ی دفاع، معلق ساخته است. آنچه گفته شد به علاوه تجربه شرکت در چندین جنگ کوچک و بزرگ با همسایگان عرب، موجب آن شده که نظریه پردازان سیاسی، امنیتی و نظامی این کشور در طول سالهای متمادی به ارائه راهبردهای مختلفی بپردازند.

آنچه در طول زمان مورد توجه رهبران اسرائیل قرار داشته دفع خطر و یا مقابله با خطر جنگ بوده است. آنها در این اندیشه بوده اند که باید قدرتی بیش از قدرت همسایگان عرب و حتی بیش از مجموع قدرت نظامی آنها داشته باشد. جنگ‌های سه روزه و شش روزه اسرائیل با اعراب زمینه‌ی چنین پنداری را به وجود آورده بود. بنابراین اسرائیل چه به لحاظ کمی و چه به لحاظ کیفی، هم از نظر سربازان و هم از دیدگاه مربوط به تجهیزات و تسلیحات می‌بایست در جایگاهی بسیار رفیع‌تر از دیگران قرار می‌گرفت. به عبارتی توسعه صنعت نظامی و تسلیحاتی در این کشور سرلوحه کار رهبران او نیفورم پوش این رژیم قرار گرفت. چنین بود که اسرائیل از نظر تسلیحات نظامی به قدرت برتر منطقه تبدیل شد.

راهبردهای نظامی اسرائیل:

اسرائیل، راهبرد اصلی نظامی خود را همواره دفاعی می داند؛ اما نباید فراموش کرد که این راهبرد ماهیت تهاجمی دارد و ضمن رعایت انواع دفاع عامل و غیرعامل، از اجرای عملیات‌های آفندی به صورت ضربتی و پیشگیرانه سود می‌برد. اسرائیل به گام آخر یعنی مذاکره و تلاش‌های دیپلماتیک نیز دل بسته است ولی آن را زمانی موثر می‌داند که فایده‌ای برای آنها داشته باشد و به عبارتی جلوی ضرر و زیان بیشتر را بگیرد.

«سلاح‌ها و تجهیزات نظامی اسرائیل، به گونه‌ای طراحی و انتخاب شده که ضمن تامین اصول اساسی اندیشه نظامی اسرائیل، در خدمت یک جنگ سریع و کوتاه مدت باشد؛ زیرا اسرائیل به دلیل جمعیت اندک و توان اقتصادی نسبتاً محدود، توان جنگ طولانی را ندارد. تئوری حمله پیشگیرانه که با اصل جنگ کوتاه مدت منطبق است این فرصت و امکان را به اسرائیل می‌دهد که آسیب‌پذیری عمق استراتژیک خود را کاهش دهد.» (قاسمی، ۱۳۸۵: ۱۰۲).

کرمی، دکترین نظامی اسرائیل را در سه حوزه اصلی می‌داند: «دکترین نظامی اسرائیل بر این اساس استوار است که با گردآوری یک قدرت نظامی بزرگ، مانع از اندیشیدن دشمن به پیروزی شود. در صورت شکست «سیاست بازدارندگی»، اسرائیل باید به سیستم‌های «هشدار سریع» مجهز باشد تا مانع از غافلگیری و وارد آمدن ضربات خطرناک شود. حتی اگر چنین هشدار و وجود نداشته باشد، باید بتوان عملیات نظامی دشمن را خنثی و با کشاندن جنگ به سرزمین آنها، نیروهای دشمن را نابود کرد. این عملیات باید «سریع و قاطع» باشد، زیرا اقتصاد، جمعیت، و نیروهای اسرائیل امکان درگیری در یک جنگ طولانی را ندارند و در صورت ورود عوامل



خارجی به جنگ، امکان خاتمه جنگ در پشت میزهای مذاکره، به ضرر اسرائیل، وجود دارد.» (کرمی، ۱۳۸۶: ۱۰۱).

اصول دکترین نظامی اسرائیل را می‌توان چنین برشمرد:

۱- اصل برتری کیفی تسلیحات

۲- اصل داشتن ارتش قوی و نیروهای احتیاطی فراگیر

۳- ایجاد فضای مصنوعی عمق استراتژیک

۴- کاربرد استراتژی تهاجمی برای کشاندن دامنه‌ی نبرد به سرزمین دشمن

۵- پیروی از اصول جنگ کوتاه مدت.

نظریه‌ی به کارگیری نیروی واکنش سریع که در جنگ با مصر و سوریه عامل پیروزی اسرائیل بود، با مرور زمان کارآمدی خود را از دست داد و از طرفی نظریه‌های جایگزین نیز یکی یکی با ناکامی مواجه شد. نظریه‌ی امنیتی دفاعی از خط مرزی به مانند نظریه‌ی ایجاد کمر بند امنیتی و انتقال جنگ به خاک دشمن شکست خورد و نظریه قدرت پاسخ قاطع با تدابیری که در جبهه‌ی مقابل به کار گرفته می‌شد کم کم فروغ خود را از دست داد و حتی نظریه‌ی جنگ هوایی ضد چریک موسوم به «کرکس - افعی» هم علی‌رغم ماهیت جدید و قدرتمند آن در برابر تدبیر رزمندگان مقاومت اسلامی لبنان به نتایج لازم نرسید. در این راهبرد با استفاده از بالگرد های تهاجمی آپاچی، هواپیماهای تهاجمی F16CP و کورناس 2000 و نیز هواپیماهای بدون سرنشین (امکا)، جنگ هوا به زمین به مرحله‌ی اجرا در می‌آید و عمده‌ی اهداف آن شکار سکوه‌های پرتاب کاتیوشا و با تکیه بر رزم شبانه است. اما همین عامل قوی تا قبل از آغاز جنگ ۳۳ روزه که چشم امید سران رژیم صهیونیستی به آن بود راهی از پیش نبرد.

«ضعف‌های این راهبرد شامل موارد زیر است:

۱- ناتوانی در محیط شهری (اختلاط چریک با مردم)

۲- نزدیک بودن دشمن به نیروهای خودی

۳- دید ضعیف و نامساعد بودن شرایط جوی

۴- فقدان اطلاعات جاسوسی دست اول

۵- هزینه‌ی بالای عملیات هوایی

آسیب‌پذیری بعضی از تجهیزات به ویژه بالگردها» (میرباقری، ۱۳۸۲: ۹۷).

علاوه بر این ارتقای کیفیت و تکنولوژی نظامی و سازماندهی ارتش راهی میانبر برای پنهان کردن ضعف‌های رژیم صهیونیستی به شمار می‌رود. در نتیجه آموزش و برنامه‌ریزی ارتش اسرائیل بر کسب توانایی‌های تهاجمی و نمایش قدرت بیش از حد واقعی و تمرکز نیروها بر کسب برتری محلی حتی در شرایط ضعف کامل تاکید دارد. با نگاهی به تاریخچه نبردهای اسرائیل می‌توان پذیرفت که تهدید جنگ از سوی ارتش‌های عربی، بزرگترین چالش این کشور در حوزه راهبردهای نظامی می‌باشد؛ اما با انقلابی که در شیوه‌های جنگی نوین در سال‌های اخیر و به ویژه نبرد ۳۳ روزه به وقوع پیوسته است فرماندهان ارتش اسرائیل را متوجه تهدید جدیدتر و به مراتب خطرناک‌تری کرده است و آن، تهدید جنگ‌های چریکی است. این در حالی است که تا چندی پیش اسرائیل در سطح کلان، برنامه‌ریزی‌های نظامی و دفاعی خود را بر اساس جنگ‌های نامتعارف سرمایه‌گذاری می‌کرد. صرف نظر از آنچه گفته شد امروزه کاملاً روشن شده که طرح جنگ با حزب ا. از مدت‌ها پیش آماده شده بود.



درجنگی که از دیدگاه رهبر حزب الله... پایان دادن به مقاومت اسلامی در لبنان و فلسطین است، «اسرائیل می‌خواهد اصل قضیه فلسطین را از میان بردارد؛ زیرا اگر حزب الله شکست بخورد چنین فرصتی برای اسرائیل به وجود خواهد آمد» (ساعدی، ۱۳۸۵: ۵۵).

اهداف جنگ اسرائیل:

از نگاه رهبران اسرائیل، اهداف جنگ ۳۳ روزه را می‌توان این گونه برشمرد:

- ۱- ترمیم قدرت بازدارندگی اسرائیل
- ۲- تغییر وضعیت در مرزهای شمالی و دور کردن حزب الله از مواضع خود در مرزها
- ۳- ضربه زدن به توانایی‌های حزب الله و جایگاه آن در لبنان
- ۴- باز پس گیری دو نظامی اسیر شده
- ۵- توقف اقدامات نظامی که از داخل لبنان نشأت می‌گیرد.
- ۶- ایجاد شرایط مناسب برای اجرای قطعنامه ۱۵۵۹ شورای امنیت مبنی بر خلع سلاح حزب الله و استقرار ارتش لبنان در جنوب آن کشور «(بن یسرائیل، ۱۳۸۷: ۱۴).

تاکتیک‌های اسرائیل تا قبل از جنگ ۳۳ روزه:

اکنون در قالب راهبردهای یاد شده، به تاکتیک‌های اجرا شده توسط ارتش اسرائیل اشاره می‌شود. تاکتیک‌هایی که نوعاً تا قبل از جنگ ۳۳ روزه و در حین جنگ مذکور از تفاوت‌های قابل توجهی برخوردارند. قبل از پرداختن به متن جنگ، ضرورت دارد تاکتیک‌های نظامی رژیم صهیونیستی از زمان شکل گیری اولین هسته‌های مقاومت در بیروت و بعلبک (۱۹۸۲ م)، مختصراً توضیح داده شود. البته سیر جنگ‌های نقطه‌ای و محدود از مبدا یاد شده تا زمان عملیات وعد الصادق و نبرد

۳۳ روزه سیر صعودی داشته و به تدریج از لحاظ به کارگیری تاکتیک ها، از پختگی محسوس برخوردار و در مراحل مختلف اجرا گردیده است.

مرحله اول: از ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۵: درگیری کورکورانه و استفاده از سیاست زمین سوخته و شکنجه‌ی دسته جمعی مردم.

در این مدت جنوب لبنان تا بیروت به تصرف ارتش رژیم صهیونیستی درآمد و این رژه با عقب نشینی های موضعی و مقطعی به دلیل شکل گیری مقاومت و توسعه ی آن نهایتاً در سال ۲۰۰۰م. اقدام به عقب نشینی بزرگ از لبنان نمود.

مرحله دوم: از سال ۱۹۸۶ تا ۱۹۸۹: حمله به پایگاه ها و تصرف موقت آنها (یعنی به محض حمله حزب ا...، افراد در سنگرهای امن پناه می گرفتند تا پایگاه های مجاور اقدام به ریختن آتش روی آنجا نمایند، البته حزب ا... نیز در چنین مواقعی، پایگاه های مجاور را گلوله باران می کرد و ضمن بمب گذاری مسیرهای منتهی به پایگاه هدف، از تاکتیک کمین نیز بهره می جست.

مرحله سوم: از سال ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۴: در این سال ها تب درگیری ها نسبتاً کاهش یافت و حدود پنج سال طول کشید.

مرحله چهارم: از سال ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۷: تاکتیک های اسرائیل وارد فاز جدید خود شد که البته پیچیدگی آنها به نسبت بیشتر از قبل بود. برجسته ترین تاکتیک این مرحله که تا ۱۹۹۷ ادامه داشت، ایجاد کمین گاه های پیچیده برای افراد خودروها بود (قطع راه ها و معابری که حزب ا... برای حمله و کمین از آنها استفاده می کرد). در این وضعیت حزب ا... با کمین زدن به نیروهایی که خود قصد کمین داشتند، بمب گذاری در مسیر آنها، استفاده از موشک های دقیق علیه خودروها و شناسایی محل کمین و زیر آتش گرفتن آن مقابله می کرد.



مرحله پنجم: "از ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۰: گسترش حملات هوایی و توپخانه‌ای و کاربرد وسیع دوربین‌ها و دستگاه‌های رادار، از عمده‌ترین فعالیت‌های این رژیم در مدت یاد شده می‌باشد. «در این مرحله برای کم کردن تلفات خود و زمین‌گیر کردن مقاومت، پایگاه‌ها به رادارهای کوچک و دوربین‌های متعدد مجهز شده و با استفاده از هواپیماهای جاسوسی و شناسایی و بمباران وسیع با هواپیما و توپخانه، سعی داشت عملیات حزب‌الله را خنثی کند. راهبرد کرکس - افعی در این مقوله جای دارد» (میرباقری، ۱۳۸۲: ۱۰۲).

مرحله ششم: با عقب نشینی ارتش از جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰ و بالا رفتن هزینه‌ی جنگ در تمامی ابعاد، سران اسرائیل تصمیم گرفتند به جای تجاوز و حمله، تنها از آنچه در اختیار دارند یعنی سرزمین فلسطین اشغالی به خوبی محافظت کنند. به بیان دیگر حداکثر توان رژیم صهیونیستی این بود که از آنچه به زعم خودش از آن اوست نگهداری نماید و بیش از آنکه آرمان‌گرایی کند به واقع بینی بیندیشد.

پس از عقب نشینی از لبنان، دکترین نظامی اسرائیل ماهیت دفاعی گرفت که خود مبتنی بر دو عامل بود؛ پرهیز از نفوذ و استقرار نیروها در حد توان و مقدرات حزب‌الله. (بدین ترتیب گسترش ارتش اسرائیل در مرز به عمق دو کیلومتر شکل گرفت و در پشت این خط، نیروهای احتیاط مستقر شدند. مرز با عامل موانع، عوامل انسانی، تجهیزات فنی و... تجهیز شد. در طول مرز ۵۴ پایگاه مرزی ایجاد گردید که هر پایگاه دارای نیروهای پیاده، مهندسی، توپخانه، تانک، اطلاعات و... بود. اساس تاکتیک این سیستم دفاعی، استفاده از توپخانه، هواپیماها و بالگردها بود؛ یعنی در صورت هرگونه عملیات، توپخانه پس از ده دقیقه، بالگردها پس از ده دقیقه و هواپیماها بعد از بیست دقیقه به حمایت از مرز می پرداختند.

- ابزار سیستم دفاعی اسرائیل بر اساس حملات چریکی حزب ا... عبارت بود از:
- ۱- عوامل هشدار دهنده (سیستم اعلام و کشف خطر، دوربین ها و ...)
 - ۲- سیستم های مخابراتی (سیستم DF، رادار، رازیت و...)
 - ۳- پایگاه های مرزی (شامل استحکامات و سنگرهای بتونی و...)
 - ۴- نیروی انسانی (شامل گشتی و نیروهای مستقر در پایگاه ها)
 - ۵- سیستم جمع آوری اخبار و اطلاعات (شامل تجهیزات پیشرفته، سایت های شنود)
 - ۶- هواپیماهای بدون سرنشین، عوامل مزدور محلی، عوامل جاسوسی و ...)
 - ۷- موانع فیزیکی (شامل سیم خاردار، مین گذاری، کابل برق و ... در طول نوار مرزی).

ویژگی های دفاع در ارتش اسرائیل:

دفاع در ارتش اسرائیل مفهوم خاصی دارد و صرفاً به معنای آفریدن فرصت و زمان کافی برای تمرکز قوا و ایجاد شرایط مناسب برای عملیات تهاجمی و یا حداقل پاتک است. در واقع غرور حاصل از چندین پیروزی در طول زمان در جنگ های مختلف، این تفکر را که نتیجه ی جنگ برای اسرائیل چیزی غیر از پیروزی هم میتواند باشد به کلی زدوده بود و یکی از علت های اصلی شکست در جنگ ۳۳ روزه هم، همین انجماد ذهنی در زمینه ی پیروزی بوده و اما ویژگی های دفاع در ارتش اسرائیل را می توان بدین ترتیب بیان کرد:

«پنهان نگاه داشتن مواضع دفاعی و استتار آنها

- کاربرد سلاح های سنگین و اتکا به آتش پر حجم خمپاره و حمایت توپخانه
- انجام شیوه ی دفاع دایره ای یا میدانی
- بهره گیری از تجهیزات مهندسی قوی



- داشتن نیروی هوایی قوی و آماده برای پشتیبانی از عملیات زمینی در هر کجا و هر زمان

- وارد ساختن ضربه به نقاط آسیب پذیر مواضع دفاعی طرف مقابل برای شکستن آن، نفوذ در عمق و تاثیرگذاری بر توان سیستم دفاعی
- فلج کردن تجهیزات دشمن و ایجاد اختلال در دستگاه‌های مخابراتی، ارتباطی و اطلاع رسانی آن.» (میرباقری، ۱۳۸۲: ۹۶)

در کنار آنچه ذکر شد عامل مهم دیگری که دفاع در ارتش را قوام می‌بخشد استفاده از پناهگاه‌های وسیع و فراوان در عمق سرزمین‌های اشغالی است. سید حسن نصرالله می‌گوید: «اسرائیل از شمال تا شرق، پناهگاه‌های گسترده‌ای برای حمایت از شهروندان خود دارد و ما روستاهای بی سر پناه؛ همین امر منجر می‌شود که تلفات جانی لبنان نسبت به اسرائیل بیشتر شود.» (ساعدی، ۱۳۸۵: ۴۳).
ویژگی‌های کلی عملیات تهاجمی اسرائیل در کتاب حماسه‌ی مقاومت اسلامی در جنوب لبنان به نقل از «استورات کوهن» چنین ذکر گردیده است:

۱- پیش دستی در انجام عملیات

۲- غافلگیری تاکتیکی و استراتژیکی با استفاده از شیوه‌ی فریب

۳- سیطره و حاکمیت کامل هوایی برای شروع عملیات تهاجمی زمینی

۴- به کارگیری تمامی وسایل نظامی پیشرفته و جدید هوایی و همچنین کاربرد انبوه تانکها و موشکها

۵- انجام عملیات هلی‌برد در پشت خطوط دفاعی و شکستن عمق و انجام عملیات محاصره

۶- متمرکز کردن قوا در تمامی نقاط آسیب پذیر حتی اگر آن منطقه محدود باشد

- ۷- تراکم و برتری نیرو و آزادی عمل در انتخاب زمان و مکان مناسب برای تهاجم
 - ۸- استفاده از شیوه های تهاجمی فریب دهنده
 - ۹- هجوم سریع و تعیین کننده نیروهای زرهی و مکانیزه
 - ۱۰- داشتن امکان مانور برای حمله از جاهای مختلف
 - ۱۱- برخورداری از آمادگی وسیع با همه توان و امکانات رزمی در تمامی مناطق
 - ۱۲- بهره گیری از نیروی احتیاط و هماهنگی نیروها برای فلج کردن دشمن
 - ۱۳- انجام عملیات تهاجمی با تکیه بر جنگ افزارهای دقیق
 - ۱۴- گسترش دامنه ی نبرد در عمق و عرض
 - ۱۵- استمرار عملیات شناسایی.»
- ارتش اسرائیل در تمامی عملیات های هجومی خود از اصول ثابتی پیروی کرده است. اصولی که حتی در نبرد ۳۳ روزه نیز چارچوب اساسی عملیات های آفندی این رژیم را تشکیل می داد. این اصول عبارتند از:
- ۱- بررسی و برآورد دقیق نیروی زمینی و هوایی متقابل
 - ۲- متمرکز کردن تلاش ها و تعیین نقاط اصلی و فرعی
 - ۳- کاهش نیروی نظامی و پشتیبانی در هر زمان که نیاز باشد
 - ۴- همکاری و هماهنگی همه نیروها در تمامی سطوح
 - ۵- وارد ساختن ضربه و متمرکز شدن در تمامی نقاط اطراف
 - ۶- هشاری مستمر فرماندهان نیروهای مهاجم
 - ۷- آمادگی نیروی احتیاط
 - ۸- مانور نیروها و انجام عملیات فریبنده و کسب پیروزی. (میرباقری، ۱۳۸۲: ۹۶)

تاکتیک های اسرائیل در جنگ ۳۳ روزه :



با اسارت دو سرباز، اسرائیل اقدام به بمباران گسترده‌ی لبنان کرد و اعلام نمود هرگونه مذاکره برای آزادی دو اسیر اسرائیلی را مردود دانسته و اعلام کرد تا تحقق چهار شرط زیر به بمباران ادامه خواهد داد:

۱- ایجاد کمربند امنیتی در منطقه‌ی حایل میان لبنان و شمال فلسطین اشغالی.

۲- جمع آوری پایگاه‌های نظامی حزب ا... از این منطقه.

۳- استقرار ارتش لبنان در جنوب این کشور و سیطره‌ی کامل بر تمام منطقه.

۴- خلع سلاح حزب ا... بر اساس قطعنامه ۱۵۵۹.

زمانی که اسرائیل شرایط خود را بیان کرد و دست به عملیات فراگیر زد، گمان نمی‌کرد مقاومت اسلامی لبنان آمادگی ایستادگی در برابر حمله‌های سنگین ارتش اسرائیل را داشته باشد. اسرائیل هرگز تصور نمی‌کرد که حزب ا... با تاکتیک‌های جدید و هنرمندانه‌ی خود اثربخشی حملات رژیم صهیونیستی را به حداقل ممکن کاهش خواهد داد: «تصور اسرائیل این بود که در ظرف کمتر از یک هفته به تمامی خواسته‌های خود خواهد رسید.» (عرب، ۱۳۸۵: ۴۲).

اسرائیل از همان روزهای آغاز سه هدف اساسی را در جنگ دنبال می‌نمود:

۱- هدف قرار دادن فرماندهی و مسئولین حزب ا...

۲- انهدام توانمندی موشکی و دفاعی حزب ا...

۳- نابودی تاسیسات و توانمندی حزب ا... .

البته این اهدافی بود که فقط روی کاغذ ماند و اسرائیل هرگز به دست نیاورد. حدود یازده بار تاکتیک‌های جنگی اسرائیل دستخوش تغییر شد تا شاید بخشی از اهداف یاد شده جامه‌ی عمل بپوشد.

تاکتیک های زمینی:

در ابتدای جنگ، تانک‌ها و زره‌پوش‌ها، پیشاپیش نفرات پیاده و برای شناسایی حرکت می‌کردند؛ اما در ادامه جنگ این تاکتیک عوض شد و نیروهای پیاده به سمت جلوی تانک‌ها منتقل شدند. نیروهای اسرائیلی برای نفوذ و پیشروی از تمرکز آتش بهره می‌بردند و همواره سرعت در حرکت را فدای دقت می‌کردند، معامله ای که نتیجه‌اش کندی آهنگ حرکت بود. تلاش برای زنده ماندن سرباز اسرائیلی، تحرک او را می‌گرفت. این نیروها سعی می‌کردند تمامی روستاهای اطراف منطقه را پاکسازی نمایند و از مناطق ساختمانی برای تامین خود استفاده نمایند. نیروهای رزمی به روستاهای شیعه نشین نزدیک نمی‌شدند و تلاش آن‌ها برای عبور از مناطق مسیحی و سنی‌نشین بود.

گروهان‌های ارتش صهیونیستی از چند محور و چند معبر وارد یک منطقه می‌شدند و در پناه شب و به آهستگی و به صورت پیاده اقدام به نفوذ می‌نمودند. یکی از ویژگی‌های مهم این گروهان‌های ۱۱۰ نفری، همراهی یک فروند هواپیمای شناسایی بود که موجب می‌شد اطلاعات دقیق و به موقع در اختیار فرمانده گروهان باشد. در همان روزهای نخستین نبرد، نیروهای حاضر در غزه با نیروهای مستقر در جولان جابه جا و کلیه‌ی نیروهای لشکر ۶۴۳ در جنوب برای انتقال به شمال احضار شدند. چند روز بعد هم حدود ۵۰۰۰ سرباز احتیاط، فراخوان شدند.

اوج کار نیروهای پیاده و زرهی اسرائیل، یورش ده هزار نفری ارتش با استفاده از نفربرهای زرهی و با حمایت تانک‌ها و پوشش هوایی در امتداد مرزها بود تا قبل از پایان جنگ، اهرم فشار لازم برای گفتگو در پای میز مذاکره را کسب کند.



این در حالی بود که رئیس ستاد ارتش اسرائیل عملیات های زمینی این کشور را در خاک لبنان محدود می خواند، شیخ نعیم قاسم - معاون دبیر کل حزب ا... - گفت: اسرائیل از حمله زمینی به لبنان وحشت دارد.

پیشروی پنجمین ارتش بزرگ جهان (پس لرزه ص ۴۷) در خاک لبنان حداکثر پنج کیلومتر بود که این پیشروی ضمنی هم تنها در راستای راهبرد نظامی حزب ا... برای کشاندن حریف به داخل لبنان و انجام گسترده حملات ایزدایی صورت گرفت.

در زمینه مهندسی، به خاطر اصل اطمینان و حفظ امنیت، نیروهای ارتش از جاده های قبلی عبور نمی کردند و در صورت نیاز به سرعت احداث جاده می نمودند در واقع حرکت دشمن متکی به دره ها و شیارها بود. این اقدام پس از اولین انفجار شدید توسط حزب ا...، در جاده ای که به منظور کمک به پایگاه هدف به وقوع پیوست در دستور کار ارتش قرار گرفت. تا روز بیستم نبرد، حدود ۶۰ دستگاه بولدوزر D90 به منظور تخریب مواضع لبنانی ها وارد خاک این کشور شدند.

«به طور کلی می توان از دیدگاه تل آویو جنگ ۳۳ روزه را به چهار مرحله

تقسیم کرد:

۱- جنگ برای پیروزی مطلق

۲- جنگ برای پیروزی نسبی

۳- جنگ برای حفظ حیثیت

۴- صلح برای حفظ موجودیت.» (عرب، ۱۳۸۵: ۴۲)

در مرحله ی پایانی نبرده که آخرین نفس های جنگ کشیده می شد اسرائیل تمامی توان خود را گذاشت تا به حداقل های لازم در جنگ دست یابد. در این مرحله از جنگ، عملیات با الگوبرداری از تاکتیک های عملیاتی آمریکا در عراق، بر اساس

خیزهای بلند طراحی گردید؛ در حالی که ارتش اسرائیل تا قبل از این با انجام عملیات‌های مثلی محدود و خیزهای کوتاه در صدد نیل به اهداف خود بود. طرح مانور این عملیات عبارت بود از:

۱- تامین جناح راست منطقه عملیات: ارتش اسرائیل با انتخاب نزدیک ترین منطقه مرزی به رودخانه‌ی لیطانی پیشروی از این محور را برگزید تا با ایجاد یک دالان نظامی ضمن قطع ارتباط بقاع با جنوب لیطانی، جناح راست منطقه را تامین کند.

۲- انجام تک دورانی از محور الطیبه: پس از تامین جناح راست، پیشروی با تک دورانی از محور الطیبه، وادی الجیره به سمت القنطره و عشیت القصیر آغاز می‌شد. ارتش اسرائیل سعی داشت با جناح دادن به لیطانی، امکان پیشروی به سمت چپ منطقه و در امتداد رودخانه را تسهیل نماید.

۳- انجام هلی‌برن و الحاق: همزمان با تک دورانی، ارتش اسرائیل مثل عملیات‌های آمریکا در عراق با هلی‌برن در القندوریه الحاق را شکل می‌داد و در تداوم آن نیز عملیات به سمت سواحل صور گسترش می‌یافت.

در صورت موفقیت این طرح، جنوب لیطانی محاصره و شرایط نیروهای مقاومت دشوار می‌گردید و قبل از آتش بس پیروزی قابل توجهی به دست می‌آمد. اما مقاومت حزب ا... و هدف قرار گرفتن بالگرد اسرائیلی و عدم کسب موفقیت در محور القنطره و عشیت القصیر، این طرح آمریکایی شکست خورد و رسانه‌های اسرائیل از این روز، به روز سیاه یاد کردند و مقامات آنها تن به آتش بس دادند. (قاسمی، ۱۳۸۵: ۱۰۸)

بهره‌گیری از آتش‌های توپخانه‌ای، زرهی و سبک با گلوله‌های جنگی، فسفری، انفجاری شدید و غیره بخش دیگری از تاکتیک زمینی ارتش اسرائیل در جنگ ۳۳ روزه می‌باشد.



تاکتیک های هوایی:

هر آنچه که احتمال داده می شد ارتباطی به موضوع نظامی حزب ا... دارد هدف حملات هوایی اسرائیل قرار گرفت.

اسرائیل به راحتی از بمب های هوشمند استفاده می کرد و از سویی انهدام گسترده ی تانک های میرکاوا باعث تغییر رویکرد به سمت تاکتیک های هوایی و دریایا پیه شد. گفتنی است نیروی هوایی اسرائیل اهداف مختلفی از جمله ایستگاه ماهواره ای شبکه LBC در کوه های کسروان لبنان و همین طور مراکز ماهواره ای تلفن های سیار لبنان را مورد حمله قرار داد.

سیستم ضد موشک پاتریوت هم در شهرهای حيفا و تل آویو در روز پنجم جنگ استقرار پیدا کردند.

در مورد حملات هوایی، الطاف سخاوتمندانه ی آمریکایی ها شامل حال ارتش اسرائیل شد. ارتشی که به سرعت و بی محابا انبارهای سلاح و مهمات خود را خالی می نمود و توسط آمریکایی ها مهمات آن جایگزین می گردید.

ارتش اسرائیل از به کارگیری سلاح های نامتعارف و ممنوعه نیز رویگردان نبود. رویه ای که از آغازین روزهای نبرد در دستور کار فرماندهان نظامی این رژیم قرار گرفت. در همین رابطه بمب های سمی و خوشه ای علیه مردم لبنان با حجم وسیع به کار گرفته شد (ساعدی، ۱۳۸۵: ۱۰۰ ج ۱) و نسبت به استفاده از مواد رادیواکتیو و اروانیوم ضعیف شده در بمباران ها و انجام عملیات خارج از منطق نظامی مانند بمباران های روستای قانا و ... دریغ نکرد.

انجام عملیات های متعدد هلی برن نیز جزء برنامه های ثابت ارتش اسرائیل بود. در یکی از این عملیات ها تعدادی از کماندوهای اسرائیلی با چند فروند بالگرد در

شرق و غرب بعلبک و با هدف ربودن رهبران حزب ا.. وارد عمل شدند که این واحد پس از محاصره شدن توسط نیروهای حزب ا.. و با پوشش هوایی جنگنده ها و بالگردهای آپاچی اسرائیل موفق به فرار شدند (عرب، ۱۳۸۵: ۵۰). اقدام اسرائیل به پیاده کردن چتر باز در منطقه بقاع و عیت الشعب نیز با دخالت پدافند هوایی ارتش لبنان و حزب ا.. به شکست انجامید.

همچنین آتش های هوایی توسط بالگردها و هواپیماهای ارتش اسرائیل به صورت دائمی در طول جنگ و با استفاده از گلوله های هوشمند، زمانی و بمب های خوشه ای بخش دیگری از تاکتیک هوایی آن بود.

عملیات روانی:

در این حیطه اسرائیل اقدام به پخش اعلامیه برای تخریب شخصیت نصرا... در بیروت نمود و از مردم خواست منطقه را ترک کنند. همین طور به منظور عدم انعکاس شکست هایش در جبهه نبرد، روز شانزدهم جنگ به کاروان خبرنگاران حمله نمود. موشکهای اسرائیلی هم در ادامه ی فعالیت های روانی این رژیم، مناطق مسیحی نشین لبنان را هدف قرار دادند تا زمینه های مخالفت آنها را با حزب ا.. فراهم نمایند. حملات دریایی اسرائیل نیز با انهدام اولین ناوچه اش متوقف گردید (ساعدی، ۱۳۸۵: ۴۸ ج ۱).

« در جنگ الکترونیکی تلاش برای حذف توان تبلیغاتی و رسانه ای حزب ا.. در قالب آسیب زدن به سایت های الانتفاء و المنار و انهدام ساختمان رادیو و شبکه تلویزیونی المنار توسط اسرائیل به شکست منتهی شد. » (عرب، ۱۳۸۵: ۷۰).

در مجموع، آنچه اسرائیل در صحنه نبرد به آنها نرسید عبارت بود از:

۱- گرفتن تحرک نیروهای مقاومت.



۲- انهدام سکوهای پرتاب موشک.

۳- تثبیت نقاط تصرف شده.

۴- فرود نیرو از راه هوا.

۵- انهدام تمامی اهداف تعیین شده.

تاریخچه ی مختصر نبردهای حزب الله....:

سابقه تجاوز اسرائیل به خاک لبنان را باید در سال های ۱۹۴۸ که آغاز تهاجم آن رژیم به شمار می رود جستجو کرد. ارتش اسرائیل در جریان جنگ با اعراب در سال ۱۹۶۷ دومین تجربه تجاوز به خاک لبنان را پشت سر گذاشت. در سال ۱۹۷۸ در عملیات موسوم به «لیطانی» که هفت روز به طول انجامید با هدف ریشه کن ساختن گروه های مبارز چریکی و نهایتاً ایجاد «کمر بند امنیتی» تا عمق ده کیلومتری خاک لبنان، این سرزمین را عرصه ی تاخت و تاز خود قرار داد.

روز ششم ژوئن ۱۹۸۲، آغاز عملیات صلح (سلامت جلیل) هرگز از ذهن صهیونیست های متعصب فراموش نخواهد شد. در این عملیات ارتش اسرائیل ظرف یک هفته تا بیروت پیش رفت و در حالی که هیچ مقاومت قابل توجهی را پیش روی سربازان خود مشاهده نمی کرد، به ناگاه در نقطه ای به نام «خلده» در جنوب بیروت توسط چند جوان مبارز شیعه زمین گیر شد. با جدی شدن این مقاومت پیش بینی نشده، ارتش اسرائیل پس از ۴۲ روز از تصرف ناحیه ی «ضاحیه» در جنوب بیروت منصرف شد تا این عملیات اولین جرقه ی پیدایش گروهی باشد که بعدها به نام حزب الله معروف شد؛ جوانانی که به رهبری «سید عباس موسوی» و تنها با تعداد کمی سلاح سبک ولی با روحیه ای وصف ناپذیر در برابر ارتش صهیونیستی ایستادند و طرح اشغال کامل بیروت را ناکام گذاشتند.



این گروه شناخته نشده، خود را پیروان حضرت امام خمینی (ره) می‌نامیدند؛ گروهی که سه سال بعد اسرائیل را مجبور به عقب نشینی از بیروت و استقرار در کمربند امنیتی نمودند.

سال نمای عملیات های مقاومت اسلامی از سال ۱۹۸۲ تا ۲۰۰۰ میلادی به شرح زیر است:

۱۹۸۲: روز ۲۳ اکتبر مقر سربازان فرانسوی منفجر شد و ۵۶ تن کشته شدند. ۱۸ روز بعد عملیات « احمد قصیر » موجب هلاکت ۷۶ نظامی صهیونیستی شد.

۱۹۸۳: در انفجار مقر کلاه سبزه‌های آمریکا در بیروت^۱، ۲۴۱ نظامی آمریکایی کشته شدند و در عملیاتی استشهادی در «صور» ۲۹ تن به هلاکت رسیدند.

۱۹۸۴: چهارم ژانویه «مقاومت اسلامی» شاخه نظامی حزب ... اعلام موجودیت کرد.

۱۹۸۵: در ماه فوریه « حزب ... » با انتشار بیانیه‌ای اعلام موجودیت کرد و ارتش اسرائیلی تا کمربند امنیتی عقب نشینی کرد. در این سال فاز جدید حملات چریکی حزب ... شروع شد و حمله به پایگاه ها و بمب‌گذاری و حمله به نیروهای اطلاعاتی اسرائیل، کم کم ابتکار عمل را به دست حزب ... سپرد (سوید، ۱۳۷۹: ۴۱).

۱۹۸۶: حملات متعدد به پایگاه‌های مزدوران لحد، اجرای حملات موشکی علیه آنها و عملیات همزمان کمین از برجسته‌ترین عملیات‌های این سال است. اسارت دو نظامی دشمن و پاتک ۱۶ روزه و بی‌نتیجه‌ی آنها نیز قابل توجه است.

۱- گویا این عملیات را جنبش‌های جهاد اسلامی فلسطین انجام داده است



در این سال الگوپذیری از شیوه تهاجم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، اعتماد به نفس فراوانی را نصیب رزمندگان مقاومت اسلامی نمود و رعب و وحشت جای خود را به شجاعت و اطمینان داد.

۱۹۸۷: عملیات «بدرکبری» توسط مقاومت اسلامی علیه ۱۶ پایگاه دشمن اجرا گردید که وجود هماهنگی فراوان و پیمودن مسیر طولانی با حمل مهمات اضافی توسط مبارزان لبنانی، جهشی در جنگ محسوب می‌شد.

۱۹۸۸: «عملیات میدون» با طرحی به نام «نظم و قانون» توسط صهیونیستها در روستای میدون اجرا شد و ۲۰۰۰ چتر باز با حمایت هوایی سعی در تصرف روستا نمودند؛ ولی در نبرد خانه به خانه مغلوب رزمندگان مقاومت شدند. در این سال حزب ... نیروهایش را از پادگان ها به مناطق ساختمانی منتقل کرد. عملیات های استشهادی موثری نیز توسط «هیشم دبوق» «الحر العاملی» و «اسعد برو» تلفات زیادی از دشمن گرفت.

۱۹۸۹: سه عملیات رو در رو میان رزمندگان حزب ... با نیروهای لحدی و اسرائیلی به وقوع پیوست.

۱۹۹۰: علی رغم کاهش عملیات های مقاومت، کمین، بمب گذاری و هجوم به پایگاه ها، جایگاه خود را حفظ کرد.

۱۹۹۱: دو عملیات شامل کمین و حمله به پایگاه دشمن، توسط حزب ... صورت گرفت.

۱۹۹۲: مبارزان مقاومت، پیشروی دشمن را در «بنت جبیل» ناکام گذاشتند و او را مجبور به اعتراف به شکست کردند. در همین سال در جریان بازدید هیات عالی رتبه‌ی نظامی در «مرجعین» عملیات کمین حزب ...، دشمن را غافلگیر کرد

و گشودن همزمان آتش سلاح های خودکار، نوید تاکتیک جدیدی را از سوی حزب ا... می داد. عملیات شهادت طلبانه «ابراهیم ضاهر» با کمر بند انفجاری در میان نفرات دشمن نیز برای اولین بار، تاکتیکی نوین به شمار می رفت.

۱۹۹۳: حمله همزمان به هشت پایگاه دشمن، برجسته ترین عملیات از مجموع ۱۷۰ عملیات این سال در قالب کمین، بمب گذاری، هجوم به پایگاه و درگیری مستقیم حزب ا... می باشد. در این سال عملیات «تسویه حساب» توسط اسرائیل با الهام از راهبرد حمله هوایی آمریکا در عراق (۱۹۹۱) و با استفاده از بمب های خوشه ای، ترکشی و بمب هایی که هوای داخل ساختمان ها را تخلیه می کردند علیه مقاومت اجرا شد و رزمندگان حزب ا... با ۲۵۰ فروند موشک گراد و ۱۰۷ م مقابله به مثل نمودند.

۱۹۹۴: مجموعاً ۳۷۸ عملیات، حاصل تلاش های نظامی حزب ا... در این سال بود. شاخص ترین این عملیات ها، حمله به پایگاه «دبشه» و همزمان زیر آتش قرار دادن شش پایگاه اطراف هدف یاد شده بود.

۱۹۹۵: در روز ۱۹ ژانویه به طور همزمان دو پایگاه اسرائیلی و لحدی آماج حملات مقاومت قرار گرفتند و توأمان آتش تیربار، موشک و توپخانه و بمب های انفجاری علیه نفربرهای دشمن به کار گرفته شد. انفجار بمب در یک جاده همزمان با سلسله حملات حزب ا...، اوج دقت تاکتیکی آنها را به نمایش گذاشت.

۱۹۹۶: «خوشه های خشم» نام عملیات بود که پانزده روز پی در پی علیه

لبنان به راه انداخته شد و موجب شروع جنگ «کاتیوشا» از سوی مقاومت علیه شهرک های شمالی فلسطین اشغالی گردید. در این جنگ تفاهم نامه «نیسان» به امضای طرفین رسید و عملاً مقاومت علیه اشغالگری به رسمیت شناخته شد.



۱۹۹۷: در این سال شانزده کماندوی نخبه واحد «الشیطیت» اسرائیل در عملیاتی به نام «انصاریه» در منطقه‌ای به همین نام در لبنان پیاده شدند و در حالی- که توسط برجسته‌ترین افسران اطلاعاتی هدایت می‌شدند، در کمین حزب ا... گرفتار آمدند و فقط یک سرباز مخابرات توسط تیم نجات از صحنه گریخت و بقیه نفرات کشته شدند.

۱۹۹۸: یکی از رزمندگان مقاومت وارد پایگاه «سجد» شد و پس از نبرد با سربازان دشمن، سالم به پایگاه خود بازگشت.

۱۹۹۹: فرمانده واحدهای ویژه‌ی هوابرد و دو افسر دیگر در عملیات کمین مقاومت کشته شدند. یک هفته بعد فرمانده واحد ارتباط ارتش اسرائیل در جنوب لبنان در اثر انفجار مین به هلاکت رسید و یک نظامی به اسارت حزب ا... درآمد. ۲۰۳ نفر از مزدوران آنتوان لحد خود را تسلیم حزب ا... کردند و حمله موشکی با کاتیوشا علیه مناطق اسرائیلی نشین از سرگرفته شد. پس از چند سال بار دیگر عملیات استشهادی در این سال به مورد اجرا گذاشته شد و ستون نظامی دشمن را در مرجعیون منهدم نمود.

۲۰۰۰: شدیدترین حملات به پایگاه‌های دشمن در این سال صورت گرفت. «عقل هاشم» فرمانده تیپ غربی و جانشین لحد در منطقه «ابل» ترور شد و فیلم عملیات از آغاز تا پایان از تلویزیون حزب ا... پخش گردید. گرفتن اسیر، انهدام تانک میرکاوا و تشدید عملیات‌های اطلاعاتی و شناسایی حزب ا... در این برهه صورت گرفت. پایگاه «سجد» از سوی دشمن تخلیه شد و با افزایش فشارهای مقاومت اسلامی، نهایتاً ارتش اسرائیل روز ۲۴ می سال ۲۰۰۰م و پس از

۱۸ سال (قبل از موعد اعلام شده) در عرض کمتر از دو روز به جز مزارع «شبعاء» از خاک لبنان عقب نشینی کرد.

پس از عقب نشینی اسرائیل، حزب الله بر شهرها، جاده‌ها و روستاهای منطقه تسلط یافت و انواع موشکها را در مرز مستقر نمود. بدین شکل تهدید همیشگی علیه شهرهای شمالی فلسطین اشغالی حفظ گردید. به گفته یکی از افسران عالی رتبه اسرائیلی، حزب الله در چند دقیقه توانایی رویارویی با اسرائیل را پیدا می‌کند. مقاومت، با وضعیت جدید، مبارزه در مزارع شبعاء را پیش رو داشت و تهدید اسرائیل به صورت بمب گذاری در خودرو و یا حتی عملیات با کایت حفظ می‌شد. بدین ترتیب ارتش اسرائیل در نقطه‌ای قرار می‌گرفت که از جنگ فرسایشی فرار می‌کرد و آمادگی جنگ پیشگیرانه را هم نداشت و تنها روزنه‌ی امید صهیونیستها روی آوردن به بمباران هوایی بود. سید حسن نصرالله در شهریورماه ۱۳۷۹ هـ. ش در مصاحبه تلویزیونی می‌گوید: «ما باید حضورمان را در جنوب تقویت کنیم و در پی آزادسازی بقیه مناطق اشغالی باشیم. آزادی اسرا از زندان‌های اسرائیلی هم با بیانیه و تظاهرات محقق نمی‌شود و عملیات جهادی می‌خواهد (میرباقری، ۱۳۸۲: ۲۴۵).

۲۰۰۱ تا ۲۰۰۵: در فاصله ی این سال ها در گیری خاصی صورت نپذیرفت و طرفین صرفا به بررسی شرایط خود، دشمن و احتمالات موجود پرداختند. در همین مدت حزب الله در راستای تقویت بنیه ی دفاعی خود و پنهان از دید اسرائیل نسبت به تجهیز و کسب آمادگی نیروهای خود اقدامات اساسی انجام داد و منتظر پنجه انداختن با دشمنی شد که حیات خود را در تجاوز و جنگ می جست؛ چنین بود که منطقه آبستن حوادثی شد که مهمترین آن را امروزه به نام «نبرد ۳۳ روزه» می‌شناسیم.



لذا قرار گرفتن تاکتیک های نظامی در کنار موارد فوق در آمیخته شدن آنها با یکدیگر زمینه های موثر پیروزی در جنگ ۳۳ روزه بوده و تجاوزگری رژیم صهیونیستی را با شکست مواجه ساخته است.



منابع:

- ۱- بن یسرائیل، اسحاق (۱۳۸۷): اولین جنگ موشکی بین اسرائیل و حزب... ترجمه ، انتشارات دانشگاه تل آویو.
- ۲- پورقیومی، ایوب (۱۳۸۷): دلایل پیروزی حزب... در جنگ ۳۳ روزه ی لبنان، فصلنامه مطهر، سال پنجم، بهار، ۱۳۸۶
- ۳- ساعدی، محمدباقر (۱۳۸۵): مقاومت تکرار حماسه ی خیبر (۱) ، چاپ اول، باشگاه مطالعاتی تحقیقاتی صهیونسیم پژوهی رصد.
- ۴- ساعدی، محمدباقر (۱۳۸۵) (مقاموت تکرار حماسه ی خیبر (۲) ، چاپ اول، باشگاه مطالعاتی تحقیقاتی صهیونسیم پژوهی رصد.
- ۵- سنیه، افرام (۱۳۸۱): اسرائیل پس از ۲۰۰۰، ترجمه عبدالکریم جادری، چاپ اول، دانشکده فرماندهی و ستاد.
- ۶- سوید، محمود (۱۳۷۹): جنوب لبنان در رویارویی با اسرائیل، ترجمه مرکز تحقیقات و بررسی ها ، چاپ اول، نشر آمن.
- ۷- شمس دولت آبادی، سیدرضا (۱۳۷۹): حمله ی اسرائیل به لبنان، چاپ اول، موسسه تحقیقات فلسطین.
- ۸- عرب، علیرضا و نصراللهی، روح اله و جاهد، مختار (۱۳۸۵): پس لرزه های نبرد وعده ی صادق ، چاپ اول، جمعیت دفاع از ملت فلسطین.
- ۹- قاسم، نعیم (۱۳۸۳): حزب... لبنان، خط مشی، گذشته و آینده ی آن، ترجمه ی محمدمهدی شریعتمدار، چاپ اول، انتشارات اطلاعات.
- ۱۰- قاسمی، علی پاشا (۱۳۸۵): جنگ ۳۳ روزه، زمینه ها و اهداف و پیامدها، فصلنامه ی مطالعات دفاعی و امنیتی - شماره ۴۵، زمستان، ۱۳۸۵
- ۱۱- کرمی، جهانگیر (۱۳۸۶): دکترین نظامی اسرائیل، موسسه مطالعات اندیشه سازان نور.
- ۱۲- مرآتی، علی (۱۳۸۵): مقاومت اسلامی لبنان از تشکیل تا پیروزی ، چاپ اول، معاونت فرهنگی نرسا.
- ۱۳- میرباقری، یزدان (۱۳۸۲): حماسه ی مقاومت اسلامی در جنوب لبنان، چاپ اول، موسسه ی اندیشه سازان نور.